

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه حقوق مدنی ۳
(بخش اول)

دوره کارشناسی فقه و حقوق

استاد: آیت الله حبیبی تبار

تهیه و تنظیم: عبدالله زکی

پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی

www.feqhvaqaza.com

مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی:

ابتدا تعریفی از مسئولیت کیفری و نیز مسئولیت مدنی ارائه می شود و سپس به تفاوت آن دو اشاره می گردد. مسئولیت کیفری: عبارتست از: «التزام انسان به تحمل آثار و نتایج افعال مجرمانه‌ای که از او سر زده است.»^۱ مسئولیت مدنی: عبارتست از اینکه: هر گاه فردی به دیگری زیان برساند، «فرد زیان وارد کننده» در قبال «فرد زیان دیده» مسئولیت دارد که خسارت وارده را جبران نماید؛ به این مسئولیت، «مسئولیت مدنی» گفته می شود.^۲ «بر مبنای این مسئولیت، بین زیان دیده و مسؤول (که فرد مسؤول همان زیان وارد کننده می باشد) رابطه دینی به وجود می آید. (به این معنی که) زیان دیده طلبکار، و مسؤول بدهکار می شود و موضوع بدهی جبران خسارت (می باشد).»^۳

تفاوت مسئولیت کیفری با مسئولیت مدنی:

این دو مسئولیت از جهات مختلف با یکدیگر تفاوت دارند که در این قسمت به سه تفاوت عمده‌ی آن دو می گردد:

۱) تفاوت در هدف: به این معنی که هدف از مسئولیت مدنی، جبران خسارت شخص متضرر می باشد. در حالی که «هدف از مسئولیت کیفری مجازات مجرم به منظور دفاع از جامعه می باشد»^۴ و در حقیقت مسئولیت کیفری واکنشی است که جامعه در برابر مجرم از خود نشان می دهد.^۵

۲) تفاوت در منبع مسئولیت: منابع مسئولیت کیفری همان اموری است که مقنن اعلام کرده است یعنی مسئولیت کیفری فقط شامل مواردی می گردد که قانونگذار آن موارد را جرم اعلام کرده باشد و به همین دلیل است که با انجام هر کاری ناپسندی مسئولیت کیفری پدید نمی آید بلکه آن امور ناپسندی مسئولیت کیفری را به دنبال می آورد که قانونگذار آن اعمال را جرم معرفی کرده باشد.

۱. ساریخانی، حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۱۰۸.

۲. برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به جزوه حقوق جزای عمومی ۲، ص ۱.

۳. برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به: کاتوزیان، الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، ج ۱، ص ۳۴.

۴. همان.

۵. همان، ص ۳۹. با دخل و تصرف در عبارت.

۶. هدف از مسئولیت کیفری مجازات مجرم است که به منظور دفاع از جامعه، پاسداری از نظم، جبران خسارت عمومی و اصلاح و تنبیه سایر افراد به مورد اجرا گذاشته می شود؛ ولی هدف از مسئولیت مدنی، جبران خسارت شخص زیان دیده است.

(روزنامه اطلاعات: دوشنبه ۲۳ شهریور ۱۳۸۸، شماره ۲۴۵۶۸: <http://www.ettelaat.com/new/index.asp?fname>)

اما قانونگذار به صورت کلی نسبت به مسئولیت مدنی، چنین گفته است: «هر کس به دیگری خسارتی زند باید آن را جبران کند.» این قاعده کلی مصادیق فراوان دارد تا آنجا که احصاء، شمارش و تبیین کلیه مصادیق آن خارج از توان قانونگذار می‌باشد.

۳- تفاوت از جهت قلمرو: قلمرو مسئولیت کیفری و مدنی متفاوت می‌باشد به این معنی که:

برخی از اعمال مسئولیت کیفری دارند اما چون برای کسی خسارت ایجاد نمی‌کند لذا مسئولیت مدنی را در پی ندارد از قبیل اعتیاد و ولگردی که هرچند در قوانین جرم معرفی شده‌اند اما مسئولیت مدنی ندارند. برخی از اعمال ممکن است هم مسئولیت کیفری را به همراه داشته باشد و هم مسئولیت مدنی را. مانند سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت یا مانند «ایراد جرح به دیگری» که هم مجازات دارد و هم مرتکب را به جبران خسارت مجروح ملزم می‌سازد.^۷

اما برخی از اعمال ممکن است مسئولیت مدنی داشته باشد اما مسئولیت کیفری را نداشته باشد. مثل اینکه شخصی تصرفاتی را در ملک خود انجام داده است و بر اثر آن منزل همسایه نمناک شود. این عملکرد صاحب ملک، مسئولیت مدنی دارد اما مسئولیت کیفری ندارد.

نکته دقیق: اگر در یک مصداقی هم مسئولیت کیفری منطبق باشد و هم مسئولیت مدنی، هر دو تا اعمال خواهد شد. مثلاً فردی که سرقت نموده است هم مسئولیت کیفری دارد یعنی باید تأدیب شود و شلاق بخورد و هم مسئولیت مدنی دارد یعنی باید مال سرقتی را به صاحبش برگرداند.

مطلب جدید: مسئولیت مدنی خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- مسئولیت قراردادی: به این معنی که فردی بر اثر عقد و قرارداد خود را متعهد می‌سازد، (مثل فروشنده بر اثر قرارداد بیع تعهد می‌کند که مبیع را به مشتری تحویل دهد) حال چنانچه وی تعهدش را انجام ندهد و طرف مقابلش از این ناحیه، متضرر شود در این صورت وی باید خسارت طرف مقابل را بپردازد. این مسئولیت مدنی، بر اثر قرار داد به وجود آمده است.

۲- مسئولیت غیر قراردادی: گاهی بدون اینکه قراردادی در میان باشد یک طرف در مقابل طرف دیگر مسئولیت مدنی پیدا می‌کند و ملزم است که خسارت وارده را جبران نماید. مثلاً یک نفر از روی عمد یا از روی خطا مال دیگری را تلف می‌کند. در این فرض فرد تلف کننده ملزم است که خسارت طرف مقابل را جبران نماید. حال این مسئولیت مدنی بدون اینکه قراردادی در میان باشد به وجود آمده است.

اصطلاح «وجه الالتزام»: اگر کسی بر اثر قرار داد برای خودش تعهدی را ایجاد کرده باشد و سپس از انجام دادن آن تعهد، شانه خالی نماید حال چنانچه طرف مقابل بر اثر عمل نکردن او به تعهدش، خسارتی را متحمل شود می تواند آن خسارت را مطالبه نماید.

اما گاهی طرفین قرارداد نسبت به میزان این خسارت - یعنی نسبت به این خسارت که بر اثر عمل نکردن طرف مقابل به تعهدش به وجود آمده است - توافق می کنند. به این میزان خسارت مورد توافق بین متعاملین اصطلاحاً «وجه الالتزام» گفته می شود. بنابراین طرف که بر اثر عمل نکردن به تعهدش به طرف دیگر خسارت وارد نموده مسئولیت دارد که «وجه الالتزام» را بپردازد. و این مسئولیتی که بر اثر وجه الالتزام به وجود می آید، مسئولیت قرار دادی می باشد. یعنی مسئولیتی است که عامل به وجود آمدن آن قرار داد می باشد.

تفاوت مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی:

مسئولیت قراردادی نسبت به قرارداد «بشرط شیء» است اما مسئولیت مدنی نسبت به قرارداد «لابشرط» است: به این معنی که مسئولیت قراردادی هنگامی محقق می شود که:

اولاً: طرفین یک قراردادی را منعقد نموده باشند.

ثانیاً: فردی که بر اثر این قرارداد امری را متعهد شده است تعهدش را انجام ندهد.

ثالثاً: طرف مقابل بر اثر انجام نگرفتن تعهد مزبور، دچار خسارت بشود.

اما برای تحقق مسئولیت مدنی لازم نیست که حتماً قراردادی وجود داشته باشد.

موارد اجتماع مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی:

با وجود اینکه این دو مسئولیت با یکدیگر تفاوت های دارند اما ممکن است در مصادیقی با هم جمع شوند. به عنوان نمونه:

پزشکی که بنا دارد بیمارش را جراحی نماید با او قرارداد می بندد که اگر بر اثر این جراحی، ناقص العضو شدی به تو ۱۰ میلیون خسارت می دهم.

حال اگر بیمار بر اثر این عمل جراحی، ناقص العضو شود، این یک مصداقی است که هم عنوان مسئولیت مدنی بر آن منطبق است زیرا: پزشک به او خسارت وارد نموده و موظف است که خسارت وارده را جبران نماید. و هم عنوان مسئولیت قراردادی بر آن منطبق است زیرا: طرفین بر اثر قرار داد نسبت به میزان خسارت نیز توافق نموده اند.

س: اگر در یک موردی هم مسئولیت قراردادی منطبق باشد و هم مسئولیت قراردادی، در این صورت کدام یک از آن دو مسئولیت اعمال می گردد؟

ج: مسئولیت قراردادی اعمال می‌گردد. زیرا اگر بر فرض مزبور، بیمار با پزشک قرارداد «وجه الالتزام» را منعقد نکرده بود و از قضا بیمار بر اثر جراحی ناقص العضو می‌شد پزشک با اینکه مسئولیت مدنی داشت اما بیمار می‌توانست از پزشک مطالبه خسارت نکند و تمام خسارت را به او ببخشد.

حال که بیمار با پزشک قرارداد وجه الالتزام را منعقد نموده است به طریق اولی می‌تواند بخشی از خسارت وارده را از پزشک مطالبه نماید بلکه فقط قسمتی از آن را بگیرد.

به عبارت دیگر بیمار بعد از آنکه پزشک ضامن شده است همانگونه که می‌توانست کل طلبش را از پزشک نگیرد همچنان حالا که قرارداد وجه الالتزام را منعقد نموده است می‌تواند فقط به میزان وجه الالتزام بسنده نموده و فقط به همین میزان طلبش را بگیرد و بخشی دیگر طلبش را نگیرد و به پزشک ببخشد.

به عبارت سوم حق چیزی است که ذوالحق می‌تواند آن را بگیرد و می‌تواند آن را اسقاط نماید حال همانگونه که بیمار می‌توانست کل حقش را از پزشک نگیرد به طریق اولی می‌تواند بخشی از حقش را از پزشک نگیرد.^۸

جلسه دوم: ۸۸/۷/۱۱

ارکان مسئولیت:

(۱) وجود ضرر؛

(۲) ارتکاب فعل زیانبار؛

(۳) وجود رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر.

۱ - وجود ضرر: مسئولیت زمانی به وجود می‌آید که ضرری در کار باشد. و به همین دلیل است که «باید زیانی به بار آید تا برای جبران آن، مسئولیت ایجاد شود».^۹

مفهوم ضرر: «هرجا که نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از دست برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است».^{۱۰}

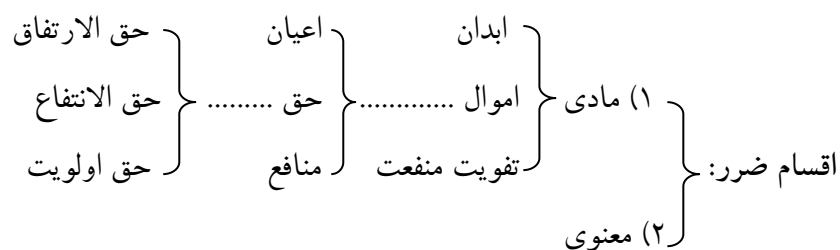
^۸ منابع حقوق مدنی ۳: ۱ - قانون مدنی ماده ۳۰۱ تا ۳۳۷.

۲ - قانون مسئولیت مدنی که شامل ۱۶ ماده می‌باشد.

۳ - قانون بیمه اجباری.

^۹ ناصر کاتویان، الزام‌های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی، ج ۱، ص ۲۴۰.

^{۱۰} همان، ص ۲۴۲.



ضرر مادی سه نوع است:

- ۱ - ضرر مالی: منظور از ضرر مالی، هر چیزی است که «از دست رفته باشد و قابل ارزیابی با پول باشد»^{۱۱}
 - ۲ - ابدان: یعنی صدمه های که به بدن و جسم انسان وارد می شود. البته «ارزیابی خسارت ناشی از صدمه های بدنی دشوار است زیرا غالب این خسارت ها در آینده تحقق می یابد. به عنوان مثال: به دشواری می توان به قطع رسید که شکستگی استخوان چه عوارضی به بار می آورد، و درمان آن چه اندازه به درازا می کشد و چه اندازه هزینه دارد و میزان از کار افتادگی آن چیست؟
 - ۳ - تفویت منفعت: هر کسی منفعتی دیگری را تفویت کرده و از بین ببرد، به او ضرر رسانده است و مسؤولیت دارد که ضرر وارده را جبران نماید.
- نکته: هرگونه تفویت منفعتی مسؤولیت را در پی نمی آورد، بلکه تفویت منفعت با وجود سه شرط ذیل موجب ضمان شده و ایجاد مسؤولیت می کند:

الف: از نظر عرف، ضرر صدق بکند: در زندگی روزمره بسیار اتفاق می افتد که عملکرد یک شخص موجب تفویت منفعت شخص دیگری می شود و در عین حال عرف اینگونه تفویت منفعت ها را نادیده گرفته و آن را در زمره ضرر به حساب نمی آورد. به عنوان مثال: دست فروشی، کالایش را به نصف قیمت حراج می کند تا کالایش زودتر فروخته شود، و این عمل او موجب می شود که مردم به سمت فروشندگان دیگر نروند بلکه از او خریداری کنند، حالا این دستفروش با این عملکردش موجب شده است که مشتریان از فروشندگان که در کنارش وجود دارد خریداری نکنند و در نتیجه موجب تفویت منفعت از آنها شده است. اما می بینیم که عرف اینگونه موارد را جزو اضرار به غیر تلقی نمی کند.

ب: منفعت تفویت شده باید از نظر شرعی و قانونی مباح باشد: «از دست دادن نفعی را می توان ضرر به حساب آورد که مشروع باشد»^{۱۲} اما اگر منفعت از دست رفته نامشروع و یا غیر قانونی باشد، تفویت آن، ضرر محسوب نمی گردد. به عنوان مثال: شخص ربا دهنده به قتل می رسد، حالا آن شخصی که از این مقتول سود ربوی دریافت

^{۱۱} . همان، ص ۲۴۲.

^{۱۲} . همان، ص ۲۵۱.

می‌کرده است نمی‌تواند بابت تفویت این منفعت، از قاتل شکایت نماید. زیرا این منفعتی که با به قتل رسیدن شخص ربا دهنده، از بین رفته است، منفعتی غیر قانونی و نامشروع می‌باشد.

ج: با الزام قانونی یا شرعی باشد: مثلاً فردی که به گونه‌ی تطوعی و مجانی نفقه‌ی شخصی را می‌پردازد، بر اثر تهدید فردی، از پرداختن نفقه آن شخص خودداری کند. حالا دریافت کننده نفقه، نمی‌تواند از کسی که فرد نفقه دهنده را تهدید کرده شکایت نماید زیرا هرچند که در فرض مزبور تفویت منفعت صورت گرفته است و هرچند که این منفعت امر مشروع و مباح می‌باشد، اما چون جنبه‌ی الزامی و قانونی ندارد، لذا ضرر به حساب نیامده و در نتیجه تفویت منفعت محسوب نمی‌گردد.

مفهوم ضرر معنوی:

ضرر معنوی عبارتست از: لطمه‌های که به روح و روان شخص وارد می‌شود و قابل جبران با مال نیست. ولی مع الوصف برای جبران بخشی از این خسارات، دادگاه می‌تواند خسارت وارده را با مال بسنجد و جبران آن را به پرداخت مال موکول کند و نیز می‌تواند جبران ضرر معنوی را با طرق غیر مالی انجام دهد مانند اینکه شخص را به «عذر خواهی» محکوم کند. یا «به درج مطلب در روزنامه‌ها» ملزم نماید.

اقسام ضرر معنوی:

الف: ضرر معنوی گاهی لطمه زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت فرد است.
ب: گاهی لطمه، لطمه‌ی روحی به اشخاص است.

سؤال ۱) در مواردی که هم ضرر معنوی مطرح است و هم ضرر مادی، آیا می‌توان از هر دو جهت مطالبه خسارت نمود یا فقط از جهت یکی از آنها می‌توان مطالبه خسارت کرد؟

توضیح سؤال: بر اساس قواعد کلی دانش حقوق، تعدی به تمامیت جسمانی اشخاص، منشأ دو ضرر است:
۱) ضرر مادی. ۲) ضرر معنوی.

به عنوان مثل اگر کسی به صورت شخص دیگری سیلی بزند هم ضرر مادی به او وارد کرده است و هم ضرر معنوی به او رسانده است زیرا به او اهانت کرده است.

جواب سؤال: قانونگذار در مواردی که دیه یا ارش را مقرر نموده است، راهی برای مطالبه ضرر معنوی باز نگذاشته است. بنابراین اگر به تمامیت جسمانی کسی تعدی شود، این شخص فقط می‌تواند دیه را مطالبه نماید اما مازاد بر آن یعنی از جهت ضرر معنوی، نمی‌تواند مطالبه خسارت نماید.

سؤال ۲) خسارت ناشی از ضرر معنوی را آیا فقط خود شخص می‌تواند مطالبه کند یا وارث او نیز حق مطالبه چنین خسارتی را دارد؟

ج: گفتیم که ضرر معنوی دو نوع است: الف) لطمه‌ی مربوط به شخصیت؛ ب) لطمه‌ی روحی.

ضرر معنوی از نوع اول - یعنی ضرر معنوی مربوط به شخصیت - قائم به شخص است و لذا فقط خود شخص متضرر، حق مطالبه آن را دارد.

اما ضرر معنوی نوع دوم را - که مربوط به لطمه‌ی روحی است - الاقرب فالاقرب بر اساس طبقات ارث حق مطالبه‌ی آن را دارند به دلیل «رویه‌ی قضائی با منشأ الزام معنوی متکی به عرفِ مُسَلَّم» البته به شرطی که مُسَلَّم باشد که از این رخ داد و واقعه، به الاقرب فالاقرب، لطمه‌ی روحی وارد شده است.

بنابراین الاقرب فالاقرب به طور مطلق نمی‌تواند مطالبه خسارت بکنند بلکه به شرطی می‌تواند ادعای مطالبه خسارت بکند که مسلم باشد از آن رخ داد و واقعه، به او لطمه‌ی روحی وارد شده است.

نکته: مستندات احکام قضائی یکی از این پنج مورد ذیل است:

(۱) قانون؛

(۲) منابع معتبر فقهی^{۱۳}؛ الف: رویه قضایی با منشأ الزام قانونی (یا همان رأی وحدت رویه که

(۳) رویه‌ی قضایی که دو صورت دارد... ب: رویه قضایی با منشأ الزام معنوی (که در این صورت قضات از عرف

مُسلَّم مردم یا قواعد مُسلَّم حقوقی استفاده می‌کنند).

حال: با عنایت به مستندات احکام قضایی، چه کسانی می‌توانند ضرر معنوی به معنای لطمه‌ی روحی را مطالبه کنند؟ قانون در این زمینه ساکت است. فقه هم در این رابطه چیزی نگفته است. و رویه‌ی قضایی با منشأ الزام قانونی نیز در این رابطه چیزی نگفته است. لذا نوبت می‌رسد به «رویه قضایی با منشأ الزام معنوی که متکی به عرف مُسلَّم» از سوی دیگر «عرف مُسلَّم» نیز فقط بستگان «الاقرب فالاقرب» را شامل می‌شود.

بنابراین بستگانی می‌توانند خسارت ضرر معنوی مربوط به لطومات روحی را مطالبه کنند که از نظر طبقات ارث، الاقرب فالاقرب باشد. به عنوان مثال اگر: میت، پدر و مادر و برادر داشته باشد، چون والدین الاقرب فالاقرب است لذا والدین او می‌توانند مطالبه خسارت بکنند. اگر پدر و مادر نداشته باشد بلکه زن و فرزند، و... داشته باشد. در این صورت زن و فرزند او می‌توانند مطالبه خسارت کنند.

اگر زن و فرزند نداشته باشد، بلکه برادر داشته باشد در اینجا برادر او می‌تواند مطالبه خسارت کند.

تا اینجا راجع به اقسام ضرر بحث کردیم. اینک شرایط ضرر را بررسی می‌کنیم:

(۱) مسلم بودن ضرر؛

شرایط ضرری که قابل مطالبه می‌باشد:..... (۲) مستقیم بودن ضرر؛

(۳) جبران نشدن ضرر.

^{۱۳} . اگر قانون نبود یا قانون دچار سکوت، اجمال و یا ابهام باشد آنگاه نوبت به منابع معتبر فقهی می‌رسد.

۱ - مسلم بودن ضرر: خسارت ضرری قابل مطالبه است که مُسَلَّم باشد یعنی ضرر به اثبات رسیده باشد. بنابراین صرف ادعای ضرر، کافی نیست بلکه مدعی ضرر باید آن ضرر را اثبات کند. و اثبات این ضرر به عهده ی مدعی ضرر است. زیرا البینه علی المدعی و الیمین علی المنکر.

و شخصی که ادعای ضرر را کرده است مدعی است^{۱۴} لذا او باید وجود ضرر را اثبات نماید.

نکته: ضرر گاهی مربوط به گذشته است و گاهی مربوط به حال و آینده است. تعیین میزان خسارت ضرری مربوط به گذشته را به طور قطع و یقین می توان تعیین کرد. اما تعیین میزان خسارت ضرری مربوط به آینده، به نحو ظنی می باشد نه یقینی. بنابراین از آنجای که قدر متیقین از ضرر، نسبت به زمان گذشته است. اما نسبت به زمان آینده به نحو ظنی است، لذا تعیین میزان ضرر، نسبت به ضرری زمان گذشته، یقینی، و نسبت به ضرر آینده، ظنی، می باشد.

طراحی و تنظیم:

مدیریت سایت پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی

^{۱۴} . زیرا یکی از راه های تشخیص مدعی از منکر این بود که: المدعی هو الذی اذا تَرَکَ، تَرَکَ.